



University of Tehran Press

Trade of GMOs products within the framework of WTO agreements: Challenges and solutions

Navid Zamaneh Ghadim¹ | Yousef Bagheri Hamed²

1. Corresponding Author; Ph.D. in International Law and Researcher of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: Navid.zamani90@gmail.com
2. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Hashtgerd Branch, Alborz., Iran. Email: yousef.bagheri@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1-22</p> <hr/> <p>Received: 2021/08/08 Accepted: 2022/02/27 Published online: ---/--/--</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Cartagena Protocol, GMOs products, WTO Agreements, WTO Dispute Settlement Body.</i></p>	<p>The WTO is considered to be the main institution of international trade, and basically raising living standards and expanding trade are important goals of this organization. On the other hand, this organization is a place for settlement of disputes that arise from the conflict of commercial interests of countries, and in this regard, it must interpret the relevant agreements and binding documents in an impartial manner. Because international trade regulations have not been enacted only to protect trade interests, but with the expansion of international relations, attention to the interests of consumers is also raised in international trade issues. This is because the trade process of goods such as GMOs products, due to the importance of maintaining public health and food safety in them, requires a balance between trade and consumer interests, in other words, economic considerations of exporting countries and social considerations of importing countries. The problem is that in applying the provisions of the WTO agreements to the trade of GMOs on the one hand, and other international and domestic instruments that focus more on restrictive measures based on a human rights approach; Disputes have arisen between the trading parties, which has led to legal challenges. Relying on descriptive and analytical methods, this article has tried to explain these challenges in the normative and procedural system, and to provide solutions in this regard.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Zamaneh Ghadim, Navid; Bagheri Hamed, Yousef (2023). Trade of GMOs products within the framework of WTO agreements: Challenges and solutions. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-22. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.q.2022.328475.2854</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jpls.q.2022.328475.2854</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>



تجارت محصولات تراریخته در چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی: چالش‌ها و راهکارها

نوید زمانه قدیم^۱ | یوسف باقری حامد^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دکتری حقوق بین‌الملل و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: Navid.zamani90@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، البرز، ایران. رایانامه: yousef.bagheri@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۲-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/--</p> <p>کلیدواژه‌ها: پروتکل کارتاگنا، رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، محصولات تراریخته، موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی.</p>	<p>مهم‌ترین هدف سازمان تجارت جهانی افزایش استانداردهای زندگی و گسترش تجارت است. از این رو، این سازمان محل حل‌وفصل اختلافات ناشی از تعارض منافع تجاری دولت‌هاست و باید در این زمینه موافقت‌نامه‌ها و اسناد لازم‌الاجرای مربوطه را با روشی بی‌طرفانه تفسیر کند؛ چراکه مقررات بین‌المللی تجارت نه تنها به منظور حمایت از منافع تجاری، بلکه با گسترش ارتباطات بین‌المللی و با توجه به منافع مصرف‌کنندگان در تجارت بین‌الملل تصویب شده‌اند. به دلیل اهمیت مؤلفه حفظ سلامت عمومی و ایمنی غذا در روند تجارت کالاهایی مانند محصولات تراریخته یا اصلاح‌شده ژنتیکی، برقراری تعادل میان منافع تجاری و منافع مصرف‌کنندگان و به عبارتی ملاحظات اقتصادی دولت‌های صادرکننده و ملاحظات اجتماعی دولت‌های واردکننده بسیار حیاتی است. مسئله این است که اختلافات بین طرفین تجاری در اعمال مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی بر تجارت محصولات تراریخته از یک سو و سایر اسناد بین‌المللی و داخلی - که بیشتر بر اتخاذ اقدامات محدودیتی مبتنی بر رویکرد حقوق بشر محور متمرکزند- از سوی دیگر، موجب بروز چالش‌های حقوقی شده است. این مقاله با تمسک از روش توصیفی و تحلیلی درصدد تبیین این چالش‌ها در نظام هنجاری و ارائه راهکارهایی در این زمینه بوده است.</p>
<p>استناد</p> <p>زمانه قدیم، نوید؛ باقری حامد، یوسف (۱۴۰۲). تجارت محصولات تراریخته در چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی: چالش‌ها و راهکارها. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، --(--)، ۲۲-۱.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2022.328475.2854</p>	
DOI	10.22059/jplsqt.2022.328475.2854
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

امروزه شرط ورود به دنیای کسب و کار، فناوری است و لازمه آن تجاری‌سازی و ارزش افزوده ناشی از آن است. تجاری‌سازی در حوزه زیست‌فناوری به معنی انتقال طرح و ایده به بازار به صورت سریع و بهینه در محیط تجاری امروزی است. این فرایند شامل مراحل طرح ایده، طراحی، توسعه، بالا بردن تولید، بازاریابی و تلاش‌های بعدی برای پیشرفت محصول است (Goodarzi, 2017: 289). بنابراین حقوق تجارت بین‌الملل تأثیر زیادی بر تنظیم حقوقی زیست‌فناوری و محصولات تراریخته^۱ به لحاظ جنبه تجاری و اقتصادی دارد، ولی به دلیل افزایش خطرهای حقیقی یا احتمالی سلامت و محیط زیست ناشی از این محصولات، مسائل مرتبط با حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد. کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و ژاپن هزینه زیادی را در زمینه تحقیقات زیست‌فناوری صرف کرده‌اند و از این راه نیز سود سرشاری را به دست آورده‌اند. با توجه به اهمیت داروهای حاصل از زیست‌فناوری و نقش بسیار مؤثر آنها در درمان بسیاری از بیماری‌ها، روند تجاری‌سازی و فروش این محصولات در دو دهه اخیر از رشد چشمگیری در دنیا برخوردار بوده است و بسیاری از شرکت‌های بزرگ با سرمایه‌گذاری در این حوزه شکل گرفته‌اند که نتیجه آن کسب سودهای کلان اقتصادی برای کشور مادر و این شرکت‌ها بوده است (Joly, 2007: 48). علی‌رغم سود اقتصادی حاصل از محصولات دستکاری‌شده ژنتیکی در حوزه غذا و دارو نمی‌توان رویکرد برخی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را در خطرآفرین بودن مصرف آنها از منظر سلامت و بهداشت کتمان کرد. بنابراین، اعضای سازمان تجارت جهانی باید تلاش کنند تا توازن منصفانه‌ای بین منافع عمومی و تجارت آزاد و همچنین شرایط منصفانه و مناسب برای دسترسی به بازار برقرار کنند (Juma, 1999: 219).

در مقررات تجارت جهانی توافقنامه‌ای که به طور خاص به مبحث زیست‌فناوری پردازد، وجود ندارد. مقررات تجاری - اقتصادی در این زمینه تابع مقررات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی^۲ و موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت^۳ است (Cottier, 2008: 25). دو موافقت‌نامه اخیر دارای پاره‌ای از قواعد محدودیت، ارزیابی و مدیریت خطرند

۱. به هرگونه موجود زنده‌ای که دارای ترکیب جدید مواد ژنتیکی بوده و از طریق تکنیک‌های بیوتکنولوژی نوین به دست آمده باشد، موجود زنده تغییر یافته ژنتیکی (GMO) یا موجود حاصل از مهندسی ژنتیک (GEO) یا موجود تراریخته گفته می‌شود. این تکنیک‌ها، اغلب فناوری دی.ان.ای نوترکیب نامیده می‌شوند.

Available at <https://www.britannica.com>/last visited 2021\04\08

2. The Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures (SPS Agreement)

3. Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT Agreement)

که البته همراه با ملاحظات حقوق بشری نیستند که در مرحله اعمال قواعد موجب تعارضاتی می‌شوند که در نهایت به اختلاف حقوقی بین طرفین (واردکننده و صادرکننده محصول) منجر می‌شود. از این رو مسئله پیش‌روی مقاله این است که چالش‌های مطرح در واردات و صادرات محصولات زیست‌فناوری چیست؟ و چه راهکارهایی را برای حل این چالش‌ها می‌توان اعمال کرد. بدین منظور باید نظام هنجاری کنونی (موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و پروتکل کارتاها) و نظام رویه‌ای (رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی) تحلیل و ارزیابی شود.

۲. تحلیل موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در زمینه واردات محصولات تراریخته

واردات محصولات تراریخته را در دو زمینه موافقت‌نامه گات می‌توان بررسی کرد؛ این سند دربردارنده تعهداتی در جهت اعمال اقدامات غیر تبعیض آمیزی است که بر پایه اصول اساسی «رفتار ملی» و «دولت‌های کامله‌الوداد» استوارند که واردات محصولات زیست‌فناوری را نیز شامل می‌شود. زمینه دیگر این سند موانع تجارت برای محصولات زیست‌فناوری می‌تواند باشد که بر استثنائات اخلاق و بهداشت عمومی یا حمایت از مصرف‌کننده استوار است. در توضیح زمینه اول اعمال مقررات گات بر محصولات تراریخته باید گفت اصل عدم تبعیض به این معناست که دولت‌ها نباید در مناسبات تجاری خود تبعیض قائل شوند. این اصل شاید مهم‌ترین اصل سازمان تجارت جهانی باشد و شامل دو بُعد خارجی و داخلی است.^۱ از آثار اعمال این اصل بر محصولات زیست‌فناوری می‌توان به تعیین «شباهت و یکسانی» بین محصولات زیست‌فناوری با سایر محصولات و کالاها اشاره کرد. از طرفی به عنوان یک قاعده، محدودیت در بازاریابی محصولات بیوتکنولوژیک مانند نیاز به مجوز

۱. بُعد خارجی اصل عدم تبعیض: با همه طرف‌های تجاری برخوردی یکسان شود. از این توضیح به عنوان اصل دولت کامله‌الوداد (Most Favored Nation) یاد می‌شود. در توضیح این اصل باید گفت که کشورها نمی‌توانند در وضعیت عادی بین طرف‌های تجاری خود تبعیض قائل شوند. چنانچه کشوری امتیاز یا تسهیلات خاصی (مثلاً کاهش نرخ گمرکات) را برای کشوری در نظر می‌گیرد، همان امتیاز را بایستی به سایر اعضا اعطا کند. این اصل در ماده ۱ موافقت‌نامه تعرفه و تجارت کالا ذکر شده است و در ماده ۲ موافقت‌نامه خدمات و ماده ۴ موافقت‌نامه حقوق مالکیت فکری آمده است. بُعد داخلی اصل عدم تبعیض: تحت عنوان اصل رفتار ملی (National Treatment) یاد می‌شود. مطابق این اصل، باید رفتاری که در قبال یک تولید یا محصول داخلی از سوی دولتی اتخاذ می‌شود همان‌گونه باید یک تولید و محصول خارجی که وارد بازار داخلی می‌شود، برخورد شود. این اصل نیز به عنوان یکی از اصول مندرج در ماده ۳ گات و ماده ۱۷ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و ماده ۳ موافقت‌نامه تریپس آورده شده است (Hilf, 2001: 117).

قبلی، به طور مساوی برای محصولات خارجی و داخلی اعمال می‌شود که در این صورت، چنین اقداماتی ممکن است مسائل تبعیض را به وجود آورد. اتحادیه اروپا برای مجوز محصولات حاوی ارگانسیم‌های اصلاح‌شده ژنتیکی سازوکار کاملاً پیچیده‌ای ایجاد کرده است که سبب تبعیض کمتر نسبت به محصولات غیرتراریخته مشابه در داخل می‌شود. برای نمونه می‌توان به شرط منع در شق «ب» بند ۳ ماده ۲۶ دستورالعمل ۱۸/۲۰۰۱ اشاره کرد که با دستورالعمل 412\2015 اصلاح شد و به یک دولت عضو اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد که در تمام یا بخشی از قلمرو خود کشت محصولات غیرتراریخته را محدود یا ممنوع کند، به طوری که اعمال مجموعه‌ای از این محدودیت‌ها که مبتنی بر «ملاحظات اجتماعی» است ممکن است به ممنوعیت ورود به بازار منجر شود (Wesseler, 2019: 252). به عبارت دیگر، چالشی که در زمینه واردات این محصولات می‌تواند با اعمال اصل عدم تبعیض بر این محصولات در برابر مقررات داخلی و سایر قواعد بین‌المللی که اجازه اعمال محدودیت را می‌دهند مطرح شود؛ مسئله آستانه تعیین «شباهت» بین محصولات تراریخته (وارداتی) و محصولات مشابه (داخلی) غیرتراریخته است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۳ م. در زمینه ارزیابی ایمنی مواد غذایی و شباهت میان محصولات را با اعمال استاندارد «ماهیت معادل و یکسان» ممکن دانسته است:

«در مورد مواد غذایی و اجزای غذایی ناشی از ارگانسیم‌ها که توسط کاربرد فناوری زیستی مدرن ایجاد شده‌اند (تراریخته)، عملی‌ترین رویکرد برای تعیین ایمنی در مقایسه با محصولات طبیعی مشابه در نظر گرفتن استاندارد ماهیت معادل و یکسان است. اینکه ارگانسیم‌های موجود به عنوان غذا یا منبع غذایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند تا چه حد نزدیک و مشابه محصولات طبیعی است» (OECD, 1993: 13).

دولت کانادا نیز در خصوص «ماهیت معادل و یکسان» کلزای تراریخته و ارگانیک استدلال می‌کند که تفاوت‌های این دو محصول تنها در سطح مولکولی قابل درک است. بنابراین، این موضوع خارج از شمولیت مقررات سازمان تجارت جهانی است و جهت تداوم و پایداری به اصول سازمان بایستی فرض کرد که تفاوتی بین این محصولات وجود ندارد؛ مگر در مواردی که آثار خطر بر سلامتی از پیش تعیین شده باشد (EUC Rep, 2007: Para4.255). در مقابل چنین تفسیری، استدلال دولت چین آن است که باید ویژگی غیرطبیعی بودن محصولات تراریخته در نظر گرفته شود؛ چراکه برداشت و ترجیحات مصرف‌کننده می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. از این رو ممکن است رابطه رقابتی بین این محصولات با محصولات دیگر ایجاد شود و احتمالاً روند ارزیابی «شباهت» از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد و این به افزایش اختلافات تجاری منجر خواهد شد (EUC Rep, Para5: 36).

به سخن دیگر، می‌توان گفت دلیل اصلی این چالش نسبت به محصولات تراریخته طبق مقررات

تجارت جهانی در رویکرد خاص دولت‌ها نسبت به جمع اصل عدم تبعیض و محدودیت‌های تجاری مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و سایر اسناد بین‌المللی است. قوانین اتحادیه اروپا بر این فرض استوار است که به‌طور کلی مهندسی ژنتیک، به‌عنوان یک فرایند، خطرهای خاصی را در پی دارد و بنابراین خواستار تنظیم مقررات خاص در سازمان تجارت جهانی است (Halford, 2019: 9). این رویکرد که به‌عنوان «رویکرد احتیاطی» و رویکرد مبتنی بر «ملاحظات اقتصادی - اجتماعی» مطرح است، در مقابل رویکرد «یکسان‌پنداری» محصولات به رهبری ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است که نتیجه آن بروز اختلافات تجاری بین دولت‌ها بر سر واردات محصولات حاصل از فناوری زیستی در ارکان حل اختلاف سازمان تجارت جهانی شده است (Uzz, 2016: 83-88). همان‌طور که اشاره شد زمینه دوم قابل بحث در موافقت‌نامه گات، توجیه محدودیت‌ها و استثنائات تجارت در واردات محصولات زیست‌فناوری است. ماده ۲۰ این سند فهرستی از استثنائات ارائه می‌کند که به‌نظر می‌رسد موارد اخلاق و بهداشت عمومی در ارتباط با واردات محصولات مذکور قابل بررسی باشند.

به‌طور کلی زیست‌فناوری و به‌ویژه مهندسی ژنتیک همواره با انتقاد حوزه اخلاق و دین روبه‌رو بوده است. اقدامات محدودکننده تجاری ذیل استثنای اخلاق عمومی ممکن است به عقاید مذهبی یا معیارهای اخلاقی حاکم بر جمعیت یا بخش بزرگی از افراد پاسخ دهد. اگر سازگاری چنین اقداماتی با موافقت‌نامه حاضر به چالش کشیده شود، هریک از اعضای سازمان می‌تواند به‌استثنای اخلاق عمومی استناد کند. برای مثال در قضیه واردات محصولات در اندونزی، دولت مدعی بود که اقدامات محدودکننده برای اطمینان و محافظت از وضعیت حلال بودن مواد غذایی فروخته‌شده در این کشور ضروری است (WT/DS477/Rep, 2016: Para7: 650).

از سوی دیگر اخلاق عمومی بسیار وابسته به برداشت‌های فرهنگی - اجتماعی یا سنت‌های مذهبی حاکم در یک کشور است (WT/DS285/Rep, 2004: Para6: 457). رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در قضیه اتحادیه اروپا - محصولات مهروموم شده - اظهار کرد که محتوا و دامنه مفهوم اخلاق عمومی می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، زیرا این موضوع تحت تأثیر ارزش‌های حاکم اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی هریک از اعضا قرار دارد. در نتیجه اعضا باید محدوده‌ای برای تعریف مفهوم اخلاق عمومی طبق مقیاس ارزش‌های خود ارائه کنند (WT/DS400/AB/R, 2014: Para5: 199).

به‌نظر می‌رسد استفاده از این استناد به‌استثنای اخلاق عمومی در زمینه واردات محصولات تراریخته با توجه به استدلالاتی که پانل سازمان تجارت جهانی نسبت به حدود اعمال آن در قضایای مطروحه به‌عمل آورده است، نیازمند ارزیابی دوگانه باشد؛ نخست آنکه این اقدامات باید برای محافظت از اخلاق

عمومی «طراحی شده» باشد و در وهله بعدی این اقدامات برای محافظت از چنین اخلاق عمومی باید «ضروری» باشد، در غیر این صورت نمی‌توان در محدودیت واردات محصولات زیست‌فناوری به‌استثنای اخلاق عمومی استناد کرد.

استثنای بهداشت عمومی نیز می‌تواند به‌عنوان محدودیت دوم در واردات محصولات تراریخته مورد استناد قرار گیرد. دبیرخانه سازمان تجارت جهانی و سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ م. گزارشی از مطالعه مشترکی درباره توافقنامه‌های جهانی تجارت و سلامت عمومی منتشر کردند، که مطابق آن آزادسازی تجارت می‌تواند حوزه سلامت و بهداشت عمومی را به‌صورت غیرمستقیم از طریق کاهش تعرفه‌ها بر قیمت داروها و حتی مستقیم مانند واردات کالاهای پزشکی برای انواع بیماری‌ها تحت تأثیر قرار دهد (W.T.O/WHO, Geneva, 2002: 23). مطابق ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، حق اعضا برای به‌کارگیری معیارهایی در راستای محدود کردن صادرات و واردات کالا، زمانی که آن معیارها برای حفاظت از بهداشت انسان، حیوانات و گیاهان ضروری باشد، تضمین شده است و همین‌طور زمانی که این معیارها مربوط به حفاظت از منابع طبیعی باشند. بنابراین، می‌توان گفت در ماده ۲۰ موافقت‌نامه مذکور، محدودیت وارداتی اعمال شده به دلایل مرتبط با بهداشت عمومی، معمولاً ماهیتی تبعیض‌آمیز دارد؛ لکن این تبعیض مشروع است و استثنایی است که بر ماده ۱۱ موافقت‌نامه اعمال شده و طبق آن به دولت‌ها اجازه داده شده است، زمانی که سلامت و بهداشت عمومی افراد با خطرات جدی روبه‌رو شد، می‌تواند واردات کالا را محدود کنند.

به‌نظر می‌رسد در نحوه استناد به این استثنا باید شرایطی را در نظر گرفت تا ضمن حفظ ملاحظات بهداشتی، محدوده تفسیر این استثنا نیز به‌طوری نباشد که بر اصول اساسی گات از جمله آزادی تجارت خلی وارد شود. یکی از شرایطی که برای اجرای تمامی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و حتی فراتر از آن، اجرای تمامی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی لازم است، در وهله نخست، حسن نیت در اجرای موافقت‌نامه‌هاست. از همین رو داشتن حسن نیت از شرایط اساسی برای اتخاذ تصمیم جزء تعهدات دولت‌ها در اجرای موافقت‌نامه گات و به‌خصوص مفاد ماده ۲۰ آن است. شرط دوم آن است که تبعیض توجیه‌پذیر باشد. محدودیت‌های وارداتی اعمال شده به دلایل مربوط به سلامت معمولاً ماهیتی تبعیض‌آمیز دارند؛ اما این تبعیض باید بر اساس ماده ۲۰ گات باشد که این امر موجب مشروع بودن آن شود. همچنین این تبعیض باید میان تمام دولت‌های عضو سازمان که شرایط مشابه دارند، اعمال شود؛ بدین معنی که اعمال محدودیت تجاری نسبت به کالای تهدیدکننده بهداشت عمومی باید جدا از مبدأ و محل تولید آن، یکسان باشد و نسبت به تمام کشورهایی که قصد صادرات آن محصول به آن دولت اتخاذکننده محدودیت تجاری را دارند،

به طور برابر اعمال شود تا تبعیض موجه باشد. پرونده برزیل در مورد تایرهای مجدداً روکش شده، نمونه بارز همین مطلب است که در آن رکن استیناف سازمان تجارت جهانی، اقدامات برزیل را متضمن تبعیض خودسرانه و توجیه ناپذیر دانست و در نتیجه ناقض ماده ۲۰ گات اعلام کرد: (WT/DS332/AB/R, 2007: Para2: 95). شرط سوم آن است که محدودیت تجاری اعمال شده برای حفظ سلامت و بهداشت عمومی ضروری باشد. همان طور که در ابتدای بند «ب» ماده ۲۰ گات مشاهده شد از عنوان «ضرورت» استفاده شده است که عملاً موجب دشواری در تفسیر این ماده می شود. تعیین ضروری بودن یا نبودن اقدامات برای حفظ سلامت، بحث برانگیزترین و دشوارترین قسمت بررسی های موضوع بند «ب» ماده مذکور است. موضوع ضروری بودن اقدامات که مکرراً موجب اختلاف اعضای سازمان تجارت جهانی می شد و معیارهای مشخصی برای تعیین آن وجود نداشت، با انعقاد موافقت نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی برطرف شد و در این موافقت نامه، معیارهایی برای ضروری بودن اقدامات برای حفاظت از سلامت و بهداشت عمومی، تعیین شد. در نهایت باید گفت که اگر دولتی بخواهد طبق ماده ۲۰ گات و استثنائاتی که مربوط به سلامت و بهداشت عمومی در این ماده آمده است، تجارت محصولات زیست فناوری را محدود کند، باید این سه شرط (حسن نیت، موجه بودن تبعیض و ضرورت) را رعایت کند تا اقدامات آن کشور مورد تأیید اعضای سازمان تجارت جهانی قرار گیرد.

۳. تحلیل موافقت نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی و موافقت نامه موانع فنی فرا

راه تجارت در زمینه واردات محصولات تراریخته: الزامات متفاوت

دو موافقت نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی و موافقت نامه موانع فنی فرا راه تجارت به عنوان ضمیمه الحاقی به موافقت نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی به نوعی درصدد تفصیل مواد آن هستند. موافقت نامه اول، درصدد ایجاد سازوکار لازم برای حمایت و حفاظت از حیات و بهداشت انسان است، به شرطی که اقدامات مزبور به نحوی اعمال نشود که در صورت حاکم بودن شرایط مشابه وسیله تبعیض دلخواهانه یا توجیه ناپذیر میان اعضا را به وجود آورده یا محدودیتی پنهان و غیرمشروع فرا روی تجارت ایجاد کند. هدف از تدوین موافقت نامه دوم، فراهم کردن شرایطی است تا مقررات فنی اجباری، استانداردهای داوطلبانه، آزمایش و صدور گواهی محصولات، موانع غیرضروری برای تجارت ایجاد نکند. بر اساس موافقت نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی شرط اتخاذ اقدامات توسط اعضا اثبات خطر محصولات، مبتنی بر دلایل علمی است، (WT/DS/SPS Agreement, Rep, 1995: Art.2). لیکن امکان اتخاذ «اقدامات موقتی» نیز در مواردی هم که مستندات علمی به طور کافی برای

احراز خطر وجود ندارد، فراهم شده است. در صورت اتخاذ اقدامات موقتی، اعضا باید درصدد کسب اطلاعات علمی بیشتر در آن مورد و بازنگری اقدامات موقت در مدت زمان معقول باشند (WT/DS (SPS Agreement, Rep, 1995: Art.5, Para7). اما باید توجه داشت که معیار معقول بودن بر اساس هر مورد نسبی خواهد بود.

بنابراین، در موارد تجارت بین‌المللی محصولات تراریخته؛ وقتی دولت واردکننده آن را تهدیدی علیه حیات یا سلامت انسانی، حیوانی یا گیاهی به‌شمار آورد، می‌تواند اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی در زمینه مدیریت خطر آنها اتخاذ کند، لکن این نوع اقدامات ممکن است با رویکرد احتیاطی که در پروتکل کارتاها اتخاذ شده است، در تعارض باشد. ناگفته پیداست که حدود اتخاذ اقدامات احتیاطی یا موقت مطابق این موافقت‌نامه بایستی بدون اعمال تأخیر و تبعیض ناروا بین تولیدات داخلی و محصولات وارداتی صورت گیرد (WT/DS/SPS Agreement, Annex C, Para1: 2).

از طرفی، چنانکه از بند ۳ ماده ۲ موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت برمی‌آید، فرایند تجارت و مبادله محصولات تراریخته باید از مفاد این سند پیروی کند. همچنین با توجه به تفاوت امکانات و شرایط، میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه در اتخاذ فرایند ارزیابی خطر، ماده ۱۱ موافقت‌نامه با عنوان کمک‌های فنی، اذعان می‌دارد که تمامی اعضا به‌ویژه دولت‌های در حال توسعه عضو می‌توانند از سایر اعضا یا دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، طبق شرایط مورد توافق در خصوص تهیه مقررات فنی و تأسیس مؤسسات استانداردهای بین‌المللی کمک فنی دریافت کنند.

کمک‌های فنی می‌تواند راهگشای شرکت‌های فعال در کشورهای کمتر توسعه‌یافته در زمینه مطابقت با الزامات فنی مورد درخواست در بازارهای صادراتی باشد (Koul, 2018: 482). طبق بند ۸ این ماده، کشورهای کمتر توسعه‌یافته در دریافت کمک‌های فنی نسبت به سایر کشورها در اولویت قرار دارند. این موافقت‌نامه همانند موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی حق دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی را برای اتخاذ اقدامات تحدیدی در مورد محصولات وارداتی به رسمیت می‌شناسد. اما اتخاذ اقدامات بر اساس موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت برخلاف موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، مستلزم وجود مستندات و مدارک علمی نبوده و نیازمند وجود مقررات فنی و هدف مشروع است که نباید بیشتر از حد لازم برای آن هدف مشروع، تجارت را محدود کنند (TBT Agreement, 1995: Art.2, Para2). همچنین مطابق موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت اقدامات نباید تبعیضی بین محصولات وارداتی و محصولات مشابه داخلی یا خارجی ایجاد کنند (TBT Agreement, 1995: Art.2, Para1). بنابراین به‌نظر می‌رسد تفاوت‌های اساسی بین این دو موافقت‌نامه وجود دارد، درحالی که توافقت‌نامه اقدامات

بهداشتی و بهداشت گیاهی استثنای کلی مندرج در بند «ب» ماده ۲۰ گات را تفصیل می‌کند، توافقنامه موانع فنی فرا راه تجارت تعهدات مندرج در ماده ۳ گات را توسعه می‌دهد. به عبارت دیگر، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی اصولی را تعیین می‌کند که یک عضو به طور مشروع ادعا کند این اقدامات برای محافظت از زندگی و سلامت انسان، حیوان یا گیاهان یا سلامتی در برابر برخی از خطرهای مشخص ضروری است. درحالی‌که موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت از این حیث قابل دفاع نیست و بیشتر بر ضروریات مربوط به تعهدات رفتار ملی هنگام تحمیل الزامات فنی یا استانداردها، استوار است (Kouf, 2018: 486) در واقع اتخاذ اقدامات با الزامات دوگانه، مستعد چالش در هر دو توافقنامه شده است.

۴. جمع الزامات موافقت‌نامه‌های اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موانع فنی فرا راه تجارت و پروتکل کارناها: بروز تعارض در عمل

مقدمه پروتکل ایمنی زیستی کارناها دربردارنده مقررهای است که ارتباط این سند را با اسناد سازمان تجارت جهانی آشکار می‌سازد. در مقدمه آمده است:

«...با تأکید بر اینکه این پروتکل به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که به عنوان تغییر در حقوق و تعهدات یک عضو به موجب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی موجود به کار رود و با درک اینکه هدف از موارد فوق این نیست که این پروتکل را تابع دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قرار دهد، در موارد زیر توافق نموده‌اند...»
درج این مقرر به این معناست که اولاً تعهدات سازمان تجارت جهانی تحت تأثیر مقررات پروتکل نیستند و ثانیاً اینکه در عین حال نباید از ماهیت تعهدات جدید مقرر در سند کارناها چیزی بکاهند. اما مسئله آن است که در موارد بروز اختلاف در تفسیر این پروتکل با موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، ابهام صورت خواهد گرفت. این در حالی است که به لحاظ موازین و اصول حقوقی سلسله مراتبی هم بین این موافقت‌نامه‌ها و پروتکل وجود ندارد. بدین ترتیب همپوشانی آنها در خصوص جابه‌جایی فرامرزی محصولات تراریخته می‌تواند به بروز اختلافاتی بین دولت‌های صادرکننده و واردکننده بینجامد. برای نمونه به موجب موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی دولت واردکننده بار اصلی ناشی از اقدامات محدودکننده را به عهده دارد؛ درحالی‌که طبق پروتکل، بار ارزیابی خطر بر دوش صادرکننده محصول است (Ansari, 2008: 143-158).

به طور کلی به نظر می‌رسد در چهار مورد مقررات پروتکل با موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، به‌ویژه موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی تعارض یا همپوشانی پیدا کند که عبارت‌اند از: الف) دامنه مشروعیت اقدامات قانونی دولت در موارد فقدان شواهد علمی قطعی؛ ب) ارزیابی و مدیریت خطر؛

ج) عوامل اقتصادی - اجتماعی که ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد و د) الزامات مستندسازی (Zarrilli, 2006: 244).

مورد اول که امکان بروز تعارض در آن وجود دارد؛ دامنه اقدامات دولت‌ها در زمان فقدان شواهد علمی است که الزامات متفاوتی در پروتکل و موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی پیش‌بینی شده است. رویکرد احتیاطی از اصلی‌ترین ویژگی‌های پروتکل است. مفاد مواد ۱۰ و ۱۱ به‌طور مشابه دربردارنده لزوم اتخاذ رویکرد احتیاطی است: «عدم اطمینان علمی به دلیل نبود اطلاعات و دانش علمی کافی در مورد میزان اثرات جانبی احتمالی یک ارگانیسم زنده اصلاح شده بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی در واردات با در نظر گرفتن خطرهای سلامتی انسان، مانع از تصمیم طرف به منظور جلوگیری یا به حداقل رساندن چنین عوارض جانبی احتمالی نمی‌شود» (Mercado, 2018: 1005). بنابراین دولت‌های واردکننده می‌توانند واردات را به دلیل عدم اطمینان علمی ممنوع کنند. این ممنوعیت ممکن است تا زمانی که دولت واردکننده تصمیم بگیرد که در مورد تأثیر محصولات روی تنوع زیستی و سلامت انسان اطمینان حاصل کند، ادامه یابد. با این حال، از آنجا که دولت واردکننده موظف نیست اطلاعات لازم را برای دستیابی به اطمینان علمی به‌دست آورد، یک اقدام محدودکننده تجارت ممکن است بدون محدودیت زمانی اجرا شود.

در مقابل، توافقنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا در صورت نبود مدارک علمی مرتبط، اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی را به‌طور موقت اتخاذ کنند؛ اما آنها را ملزم می‌کند تا اطلاعات اضافی لازم را برای ارزیابی عینی‌تر خطر در بازه زمانی معقول بررسی کنند (Mercado, 2018: 1016). بنابراین، دامنه اقدامات احتیاطی در زمان فقدان شواهد علمی قطعی مندرج در پروتکل (اتخاذ اقدامات بدون محدودیت زمانی) با الزامات موافقت‌نامه اخیرالذکر (اتخاذ اقدامات در مدت زمان معقول) در تعارض است.

در خصوص مورد دوم که مربوط به الزامات ارزیابی و مدیریت خطر است؛ به‌نظر می‌رسد در فرایند این امر بین مندرجات پروتکل و موافقت‌نامه تعارض به‌وجود آید که این امر کاملاً با ماهیت دو سند در ارتباط است. با این توضیح که موافقت‌نامه بنا به اهداف خاص نظام تجارت بین‌الملل در محدود کردن تجارت خواستار به حداقل رساندن این محدودیت‌هاست، درحالی‌که پروتکل با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی و با رویکرد حقوق بشری فرایند کاملاً احتیاطی را در نظر گرفته است. هرچند تعهدات مشابهی برای عضو واردکننده که تضمین کند تصمیمش بر اساس ارزیابی خطر اتخاذ شده است، در دو سند وجود دارد، ولیکن طبق پروتکل، تأمین مالی هزینه‌های ارزیابی بر عهده عضو صادرکننده خواهد بود. اما بر اساس موافقت‌نامه، این دولت واردکننده است که عموماً هزینه‌های ارزیابی خطر را متحمل می‌شود.

در خصوص مورد تعارض زمانی بروز می‌کند که دولت‌ها در واردات محصولات تراریخته ملاحظات متفاوتی را در نظر می‌گیرند. طبق ماده ۲۶ پروتکل، اعضا می‌توانند ملاحظات اجتماعی - اقتصادی ناشی از تأثیر آنها بر حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی را در نظر بگیرند (Ludlow 141-143: 2016). این در حالی است که در چارچوب موافقتنامه ارزیابی خطر اغلب با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی است. برای نمونه در یکی از اختلافات، هیأت حل اختلاف گات اعمال محدودیت‌های تجاری را صرفاً به این دلیل که واردات ارزان، حیات سنتی یک جمعیت اقلیت خاص را به خطر می‌انداخت، رد کرد (GATT Panel Rep, 1984: 44). در نهایت در خصوص تعارض مورد چهارم، چالش مطروح چگونگی مطابقت مقررات مندرج در پروتکل با مفاد موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت در خصوص برچسب‌زنی یا الزامات مستندسازی است. با توجه به بند ۱ ماده ۲ موافقتنامه اعضا از اعمال تبعیض در وضع قواعد برچسب‌زنی نسبت به محصولات مشابه داخلی یا خارجی ممنوع شده‌اند (Blakeney, 2013: 17). این در حالی است که نظام برچسب‌زنی مطابق پروتکل مبتنی بر حل مسئله اختلاف برانگیز «محصولات مشابه» است و حل این مسئله از سوی کمیته موافقتنامه اخیر - که موظف به اجرای کارآمد موافقتنامه است - بعید به نظر می‌رسد (Escajeda, 2013: 485).

با توجه به موارد مذکور که ممکن است موجب بروز اختلافاتی بین دولت‌های عضو صادرکننده و واردکننده شود جهت حل تعارض، ابتدا باید به قواعد خود اسناد اخیرالذکر رجوع کرد، ولیکن با توجه به اینکه نه مفاد پروتکل و نه مقررات ذکر شده سازمان تجارت جهانی در بردارنده قواعد راهگشایی در راستای حل تعارضات نیستند؛ باید به قواعد حل تعارض حقوق بین‌الملل عام مراجعه کرد. بنابراین اگر یکی از اعضای پروتکل که عضو سازمان تجارت جهانی است، در اختلاف با عضو دیگر که آن نیز در سازمان عضویت دارد، به این نتیجه برسد که در موردی خاص منافعش با اعمال قواعد سازمان بیشتر تأمین می‌شود؛ بی‌تردید به قواعد سازمان استناد می‌کند که در این زمینه پروتکل به صراحت عنوان کرده تغییر در حقوق و تعهدات بین‌المللی اعضا طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی موجود ایجاد نخواهد کرد. از سوی دیگر اگر همان عضو در اعمال قواعد پروتکل ذی‌نفع باشد، می‌تواند به دو اصل حقوق بین‌الملل در حل اختلافات بین‌المللی استناد کند: تفوق قاعده مؤخر بر مقدم^۱ و تفوق قاعده خاص نسبت به قاعده عام.^۲ در این فرض می‌توان گفت پروتکل نسبت به موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی اظهار مؤخر و خاص‌تر رضایت دولت‌هاست (میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۱۴۴). با وجود این سؤال آن است که ارکان حل اختلاف سازمان تجارت جهانی اساساً

1. Lex Posterior Derogat Legi Periori

2. Lex Specialis Derogat Legi Generali

با این پیش فرض عمل می کنند یا شیوه دیگری را در پیش می گیرند؟ در پاسخ به این پرسش باید اذعان کرد که حقوقدانان دو نظریه متفاوت مطرح کرده اند؛ دسته اول بر این باورند که طرفین اختلاف در دفاعیات خود در دعوی تجاری می توانند در کنار موافقت نامه های سازمان به سایر قواعد حقوق بین الملل نیز استناد کنند و این قواعد در کنار هم باید از سوی ارکان حل اختلاف قابل اعمال باشد، چراکه قواعد درون سازمانی سازمان تجارت جهانی جدا از نظام حقوق بین الملل نیست و نمی توان بین قواعد بین المللی تفکیک قائل شد و باید همه قواعد به مثابه یک کل در نظر گرفته شوند. در مقابل برخی دیگر بر این باورند که تنها موافقت نامه های سازمان، حقوق قابل اعمال در حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی است و در صورت اعمال سایر قواعد (قواعد برون سازمانی) اولاً موجبات کاهش دامنه صلاحیتی سازمان خواهد شد و ثانیاً موجب تحدید تعهدات مقرر در موافقت نامه های مزبور می شود، این در حالی است که ارکان حل اختلاف از این امر منع شده اند (Bartels, 2001: 503-518).

به نظر می رسد با توجه به ماهیت متفاوت قواعد سازمان تجارت جهانی باید بین مسئله حقوق قابل اعمال توسط ارکان حل اختلاف این سازمان و دامنه تفسیر قواعد بین المللی توسط آن، تفکیک قائل شد. مطابق تفاهم نامه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، هر چند حقوق اعمالی از طرف آنها بیشتر از قواعد (درون سازمانی) هستند؛ اما این محدودیت لزوماً به این معنا نیست که حقوق قابل اعمال در دعوی مطروحه نزد آنها محدود به حقوق مقرر در موافقت نامه های سازمان باشد. به عبارت دیگر، مفاد این سند و برداشت از آن؛ مانع از این نیست که ارکان حل اختلاف در کنار قواعد سازمان، قواعد حقوق بین الملل عام خارج از حقوق سازمان را هم اعمال کنند (Pauwelyn, 2001: 577). این ارکان برای اجرای کارکرد قضایی خود به جهت «ضرورت» باید به دیگر قواعد حقوق بین الملل نیز استناد کنند (Bartels, 2001: 506). اما از این منظر که ارکان حل اختلاف بتوانند از سایر قواعد بین المللی به عنوان ابزار تفسیر بهره ببرند، باید گفت بند ۲ ماده ۳ تفاهم نامه حل و فصل اختلاف سازمان تصریح می کند که تفسیر موافقت نامه های سازمان باید طبق قواعد عرفی تفسیر (مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون حقوق معاهدات) صورت گیرد. این امر حاکی از آن است که ارکان قضایی سازمان باید طبق قواعد عرفی تفسیر، مواردی را که اعضای سازمان یا حداقل اطراف اختلاف بر آنها توافق کرده اند، مرتبط بدانند (میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۱۵۲). به این ترتیب یک دولت می تواند در خصوص اختلاف تجاری مربوط به محصولات تراریخته از امکان طرح اختلاف نزد ارکان حل اختلاف سازمان بهره بگیرد، اما اگر بخواهد تعهداتش در پرتو پروتکل کارتاها تفسیر شود، باید تمام طرفین اختلاف آن را تصویب کرده باشند. با وجود این باید دید رویکرد ارکان حل اختلاف سازمان به مثابه رویه عملی در مواجهه با این چالش ها و تعارضات چیست.

۵. اختلافات تجاری بین‌المللی ناشی از نگرش‌های گوناگون نسبت به محصولات اصلاح‌شده

ژنتیکی: نظام رویه‌ای

بروز برخی چالش‌ها و تعارضات که ذکر آن گذشت؛ به‌طور کلی ناشی از رویکرد متفاوت دولت‌ها نسبت به محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی است، با این توضیح که برخی کشورها با توجه به ملاحظات اجتماعی مانند مسائل سلامت و زیست‌محیطی، جانب رویکردی «حقوق بشرمحور» را گرفته و در اختلافات تجاری درصدد اعمال مقررات و مفاد اسناد حقوق بشری و زیست‌محیطی مانند کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل کارتاگنا هستند، اما در مقابل دولت‌هایی که بیشتر ملاحظات اقتصادی و تجاری را در این زمینه در نظر گرفته‌اند، این‌گونه استدلال می‌کنند که در حل اختلافات تجاری بایستی تنها اسناد تجاری مرتبط به‌ویژه موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی اعمال شوند که در اصطلاح با در نظر گرفتن این اصل که محصولات تراریخته مشابه محصولات ارگانیک است (ماهیت معادل و یکسان)، رویکردی «اقتصادمحور» را دنبال می‌کنند. حال مسئله این است که ارکان حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به‌عنوان مرجع حل اختلافات تجاری که در زمینه تجارت محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی دارای رویه قضایی است، بیشتر جانب کدام رویکرد را گرفته است.

اتحادیه اروپا در قضیه زیست‌فناوری، تأثیر مقررات تجاری بین‌المللی بر میزان محدودیت‌های محصولات تراریخته را برجسته کرده است. از این رو یکی از مهم‌ترین قضایای مطرح در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی که نوعی مناقشه رویکردهای متفاوت را در زمینه محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی به تصویر می‌کشد؛ به‌منظور مشخص کردن رویکرد نظام رویه‌ای سازمان تجارت جهانی در این زمینه اهمیت زیادی دارد. جامعه اقتصادی اروپا با تصویب دستورالعمل (90/220/EEC) در مورد رهاسازی عمدی محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی، مقرره‌های سختگیرانه‌ای در خصوص الزامات برچسب‌گذاری و ردیابی برای رهاسازی و تجاری‌سازی این محصولات در نظر گرفته است.^۱ همزمان با انتقادات شدید ایالات متحده آمریکا نسبت به این ممنوعیت‌ها، اتحادیه اروپا مقررات مفصل‌تری در زمینه ارزیابی خطر پیش از بازاریابی به تصویب رساند و جنبه‌هایی از چارچوب مقرراتی اتحادیه از اکتبر ۲۰۰۲ م. با لازم‌الاجرا شدن قوانین برچسب‌زنی و ردیابی، اصلاح شدند.^۲ در نتیجه درخواست‌های شرکت‌های

1. Council Directive 90/220/EEC of 23 April 1990 on the deliberate release into the environment of genetically modified organisms, Official Journal L 117, 08/05/1990 P. 0015 – 0027.

2. Regulation (EC) No 1829/2003 of the European Parliament and of the Council of 22 September 2003 on genetically modified food and feed, Official Journal L 268, And Regulation (EC) No 1830/2003 of the European Parliament and of the Council of 22 September 2003 concerning the traceability and labelling of genetically modified organisms and the traceability of food and feed products produced from genetically modified organisms, taking effect from April 2004.

زیست‌فناوری از اتحادیه برای دریافت تاییدیه با تأخیر مواجه شد تا جایی که دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که اتحادیه اروپا مسائل مربوط به ایمنی و مصرف‌کننده را بهانه‌ای برای حمایت از صنعت کشاورزی خود در برابر محصولات تراریخته رقابتی قرار داده است. از این رو این دولت در سال ۲۰۰۳ م. به همراه کانادا و آرژانتین در این زمینه شکایتی نزد سازمان تجارت جهانی طرح کردند (Petersmann, 2007: 244). این در حالی بود که بعدها نیز رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی در پرونده بابلاک علیه بایرن^۱، بر اساس همین مقررات، عسلی را که حاوی گرده‌افشانی ذرت تراریخته بود، مشمول الزام برچسب‌زنی دانست و رویکرد اتحادیه در خصوص این نوع محصولات جنبه «محتاطانه» خود را حفظ کرد. مبنای ادعای خواهان‌ها این بود که اتحادیه ممنوعیت‌هایی را نسبت به واردات و دسترسی به بازار داخلی در خصوص محصولات زیست‌فناوری اعمال کرده‌اند. هیأت در تصمیم نهایی خود به جای بررسی انطباق مقررات اتحادیه با موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی صرفاً به قصور اتحادیه اروپا در انجام صحیح اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌پردازد (3: EC Rep, 2006, Para8). اتحادیه مدعی است که تأخیر «اقدامی احتیاطی» جزء لاینفک فرایند تأیید بوده است (EC Rep, 2006, Para7: 457). رکن قضایی سازمان در خصوص اعمال ممنوعیت کلی و ایجاد تأخیر در رابطه با محصولات تراریخته خاص توسط اتحادیه، حکم کرد که اتحادیه در انجام اقدامات خود «تأخیر ناروایی» در اجرای فرایندهای بهداشتی و بهداشت گیاهی برای تأیید محصولات ایجاد کرده و بدین شکل الزامات شکلی موافقت‌نامه را نقض کرده است (6: ECRep, 2006, Para8). هیأت حل اختلاف در مورد اتخاذ رویکرد احتیاطی مورد ادعای اتحادیه این‌گونه نظر داد که اتخاذ تدابیری در راستای ارزیابی خطر بایستی بر اساس موافقت‌نامه اخیرالذکر در صورت عدم کفایت مستندات علمی به عمل می‌آمد که از نظر هیأت اطلاعات کافی مطابق موافقت‌نامه وجود داشته است و از نظر هیأت ضرورتی نیست تا اصل احتیاطی جدا از فرایند ارزیابی خطر مندرج در موافقت‌نامه بررسی شود (306: EC Rep, 2006, Para7).

به نظر در خصوص تحلیل و انتقاد از این رأی باید به چند نکته مهم اشاره کرد؛ اول اینکه نوع تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که سازوکار قضایی سازمان تجارت جهانی در اعمال قواعد حقوق بین‌الملل در کلیت آن عاجز است و ظرفیت در نظر گرفتن تمام جوانب و ملاحظات اجتماعی و فرهنگی را ندارد. به عبارت دیگر، سایه ملاحظات اقتصادی با توجه به جوانب منفی که این محصولات از باب ایمنی غذا می‌توانند داشته باشند، پررنگ‌تر از سایه ملاحظات حقوق اجتماعی است و فرهنگ مصرف بین شهروندان اروپایی را نیز نشانه رفته است. دوم اینکه به نظر نگرش و دیدگاه‌های خواننده پرونده در خصوص رویکرد

1. [http://curia.europa.eu/juris/document/last visited 2021/05/09](http://curia.europa.eu/juris/document/last%20visited%202021/05/09)

احتیاطی و نیز مطابقت آن با مقررات اتحادیه کاملاً مغفول مانده است؛ سوم اینکه هیأت در تفسیر اصل احتیاط که می‌تواند در سایر اسناد بین‌المللی نظیر پروتکل کارتاها مرسوم‌تر باشد، صرف‌نظر کرده و به لزوم تدابیر و اقدامات موقتی مبتنی بر نسخه‌ای ضعیف از اصل احتیاط یعنی اقدامات «احتیاط محور» بسنده کرده است؛ چهارم اینکه بار اثبات بر دوش اعضای است که قصد قاعده‌مندسازی این محصولات را داشته‌اند؛ پنجم اینکه شیوه تفسیر در رأی بازگوی این واقعیت است که رابطه میان حقوق و مقررات سازمان با سایر منابع حقوق بین‌الملل (به‌ویژه پروتکل کارتاها یا سایر اسناد حقوق بشری مرتبط) رنگ باخته و نظام حقوقی سازمان را نظامی خودبسندگی جلوه داده است که نتیجه این امر در آینده موجب می‌شود تا سازمان تجارت جهانی قادر به پاسخگویی به تحولات مستمر حقوق بین‌الملل نباشد.

۶. راهکارهای پیش‌رو

چنانکه در مطالب مذکور گذشت کمابیش به راهکارها و تعیین قواعد حل تعارض پرداخته شد، اما به‌عنوان تعیین راه آینده سازمان و ارکان حل اختلاف آن، جهت کاستن از احتمال بروز چالش‌هایی که می‌تواند در زمینه واردات محصولات زیست‌فناوری در ارتباط «همپوشانی» یا «تعارض» با قواعد حقوق بشری ایجاد شود؛ ذکر راهکارهای کلی خالی از فایده نیست. برخی حقوقدانان به‌منظور التزام‌سازی سازمان تجارت جهانی به رعایت حقوق بشر به طرح تئوری‌هایی پرداخته‌اند که به نظر نگارندگان تا حدود زیادی جنبه آکادمیک و ایده‌آلیستی محض دارد. از جمله اینکه چون قواعد حقوق بشر، قواعد آمره قلمداد می‌شوند، از این رو سازمان تجارت جهانی و اعضای آن در صورت بروز تعارضی ملتزم به قواعد حقوق بشرند (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۰۳). اما به دلایلی نمی‌توان این نظر را پذیرفت؛ اولاً اینکه تمام قواعد حقوق بشر دارای جنبه آمره نبوده و تنها بخشی از قواعد آن را می‌توان قواعد آمره قلمداد کرد؛ ثانیاً ماهیت متفاوت سازمان تجارت جهانی و به طریق اولی قواعد آن به دلیل ذات کارکرد «تجاری» بیشتر درصدد تأمین منافع اقتصادی اعضای آن است و به این دلیل به سختی می‌توان قائل به نظام سلسله مراتبی بین قواعد تجاری و حقوق بشری شد، مگر در مواردی که قواعد حقوق بشری مطرح نظر جزو قواعد آمره باشند. تسهیل روند تجارت، هدف و اساس اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی است. از این رو به نظر باید به دنبال راهکاری بود که تنها بتوان میان این قواعد تعادلی منطقی برقرار کرد تا ضمن حفظ اصول و اهداف سازمان و اعضای آن، استانداردهای حقوق بشری نیز تأمین و تضمین شود. از جمله این راهکارها می‌توان به مواردی اشاره کرد. ۱. افزودن «شروط و بندهای حقوق بشری» در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به موجب ماده ۲۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و ماده ۵ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و همچنین

در سیستم‌های عمومی ترجیحی تعرفه توسط اعضای (دولت‌های) توسعه یافته سازمان؛ ۲. حمایت ارکان ذی صلاح حقوق بشری سازمان ملل و سایر نهادها از شفافیت‌سازی قانونی در مورد ابعاد حقوق بشر در حقوق بین‌الملل اقتصادی؛ ۳. آموزش شهروندان اعضای سازمان در جهت توسعه و احترام به حقوق بشر (در اینجا تأکید بر مؤلفه‌های حق بر دانستن، حق بر غذا و حق بر سلامت است) برای تحمیل الگوی مصرف مواد غذایی ایمن و ارگانیک بر دولت‌ها؛ ۴. ضرورت التزام ارکان حل اختلاف سازمان بر اعمال ملاحظات اجتماعی^۱ در تفسیر اسناد سازمان در اختلافات ارجاعی که در عین حال موجبات تضمین تعهدات حقوق بشری اعضا سازمان را نیز فراهم می‌کند، چراکه ۱۲۹ عضو سازمان تجارت جهانی (۸۴ درصد اعضا)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تصویب کرده‌اند؛ ۵) ایجاد امکان درخواست اعضای سازمان در اختلاف تجاری که اعضا طرف آن هستند، از رکن مرجع اختلاف سازمان برای تفسیر اسناد بر اساس تعهدات حقوق بشری (مانند کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل کارتاها) که باید با در نظر گرفتن تمام جوانب از جمله ارزش‌های حقوق بشر، مقررات آن پایه‌گذاری شوند. در نتیجه قوانین مربوطه در موافقت‌نامه‌های مختلف موجود، مانند موافقت‌نامه‌های تریپس، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی و موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت می‌تواند در جهت تأمین این مهم اصلاح شوند و یا اینکه در یک موافقت‌نامه خاص دیگر درباره زیست‌فناوری پیش‌نویسی از سوی دولت‌هایی که به دنبال تداوم رویکرد احتیاطی‌اند، تنظیم شود و حتی می‌تواند در قالب یک توافقنامه چندجانبه طراحی شود.

۷. نتیجه

سازمان تجارت جهانی مبنای ساختاری محکمی را برای محدودیت در واردات، صادرات و رقابت در بازار مربوط به محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی فراهم می‌کند، اما الزامات آن بایستی اصلاح شود. به طوری که مبنای ارزیابی خطر و مدیریت خطر باید از هم تفکیک شوند. با این توضیح که ارزیابی خطر در تمام قواعد سازمان مبتنی بر رویکرد علمی و مدیریت آن مستلزم ایجاد پورتالی برای در نظر گرفتن نگرانی‌های مربوط به حقوق بشر و موارد مرتبط با توسعه پایدار است.

۱. ضرورت اعمال این ملاحظات از بند ۲۲ قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل با عنوان توصیه‌های لاهه در مورد حقوق بین‌الملل ناظر بر زیست‌فناوری، قابل برداشت است. «روش‌های ارزیابی خطر در موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان تجارت جهانی باید با پروتکل کارتاها در مورد ایمنی زیستی ۲۰۰۰ هماهنگ‌سازی شود. این هماهنگی باید مبتنی بر تمایز واضح بین موضوع ارزیابی ریسک و مدیریت ریسک باشد.»

ILA, International Law on Biotechnology, The Hague Conference, Resolution No: 5/2010, 2010, p.5.

روش‌های ارزیابی باید به شکلی انجام پذیرد که ارزیابی علمی را تضمین کند تا انگیزه‌ها و تأثیرات حمایت‌گرایانه افراطی را که از سوی ایالات متحده آمریکا علیه اتحادیه اروپا مطرح می‌شود، حذف کند. برای جلوگیری از چنین تأثیراتی، ارزیابی خطر باید توسط یک نهاد جهانی انجام گیرد یا حداقل مورد نظارت قرار گیرد. به دیگر سخن، ارزیابی باید به سازمان‌های بین‌المللی مناسب واگذار شود که فعالیت‌های پژوهشی مؤسسات داخلی را در سراسر جهان هماهنگ می‌کنند. آزمایشگاه‌های تخصصی در مناطق مختلف لازم نیست که با هزینه‌های بالا در قلمرو سرزمینی هر دولتی تکرار شوند، اما می‌توانند در یک شبکه جهانی کار کنند. تخصص از این نوع کمک می‌کند تا تحقیقات با کیفیت و نتایج قابل اعتماد حاصل شود.

ارزیابی خطر نیز ممکن است فقط برای مدت معینی معتبر باشد و متناسب با پیشرفت‌های انجام‌گرفته در تحقیقات علمی، باید پس از چند سال تکرار شود. بار اثبات همان‌طور که اشاره شد در اسناد مختلف، متفاوت بوده، در مواردی بر عهده صادرکننده محصول و در مواردی بر دوش واردکننده آن است. به نظر می‌رسد که بار اثبات در حوزه زیست‌فناوری مربوط به ایمنی محصول اساساً باید بر عهده متقاضی صدور باشد. بنابراین هزینه‌های آزمایش و ارزیابی خطر اساساً باید توسط کشورهای صادرکننده تحمل شود. با توجه به برداشت‌های واگرا در مدیریت خطر، ارزش‌های حقوق بشری را باید به صورت اجباری در این فرایند مورد توجه قرار داد و در قاعده‌مندسازی آن عواملی را که شامل حفاظت از سلامتی انسان، حیوان و گیاهان و محیط زیست می‌شود، در نظر گرفت. برچسب زدن به این محصولات به مصرف‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا بر اساس داوری‌های ارزشی خود (فرهنگی، اخلاقی و مذهبی) به تصمیم‌گیری آگاهانه برسند. بدیهی است که برچسب زدن فقط در مورد محصولاتی که خطر کمی دارند یا خطرناک نیستند مناسب خواهد بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. فاطمی‌نژاد، صلاح‌الدین (۱۳۹۷). *سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل بشر*. تهران: میزان.
۲. میرمحمدی، معصومه سادات (۱۳۹۷). *پرتو حقوق بین‌الملل بر محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی*. تهران: خرسندی.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cottier, T. (2008). *Genetic Engineering, Trade and Human Rights* in: *Genetic Engineering and the World Trade System: World Trade Forum*, Ed by Daniel Wüger, Cambridge University Press.
2. Diaz, J. M. (2018). *Genetically modified organism*. Encyclopedia Britannica, Inc. available at <https://www.britannica.com>.
3. Escajeda San-Epifanio, L. (2013). *The Legal Clash Between Public Health, Environmental Protection and the Free Market of GMOs: The Cartagena Protocol and the WTO Agreements*. in: *The ethics of consumption: The citizen, the market and the law*, Ed by Helena Röcklinsberg, Wageningen Academic Publishers.
4. Koul, A. K. (2018). *Guide to the WTO and GATT: Economics, Law and Politics*. Springer.
5. Dries, L. Heijman, W. Jongeneel, R. Purnhagen, K. Wesseler, J. (2019). Present and Future EU GMO Policy, in: *EU Bioeconomy Economics and Policies: Volume II*, Ed by Liesbeth Dries, Palgrave Macmillan.
6. Petersmann, Ernst-Ulrich. (2007). Biotechnology, Human Rights and International Economic Law. in: *Biotechnologies and International Human Rights*, Ed by Francesco Francioni, Hart Publishing.
7. Zarrilli, S. (2006). *International Trade in GMOs: Legal Frameworks and Developing Country Concerns*, in: *Biotechnology and International Law*. Ed by Francesco Francioni and Tullio Scovazzi, HART Publishing.

B) Articles

8. Ansari, A. Nik Ahmad Kamal, N. (2008). Biosafety Protocol, SPS Agreement and Export and Import Control of LMOs/GMOs. *Journal of International Trade Law and Policy*, 7(2), 139-170.
9. Bartels, L. (2001). Applicable Law in WTO Dispute Settlement Proceedings. *Journal of World Trade*, 35(2), 499-519.
10. Blakeney, M. (2013). Food Labelling and International Trade. *International Trade Law and Regulation*, 19(1), 14-24.
11. Goodarzi, M. Sheikhi, M. Shabani, M. (2017). Commercialization Process of Biopharmaceuticals Development. *International Journal of Innovation, Management and Technology*, 8(4), 289-292.
12. Halford, N. G., (2019). Legislation Governing Genetically Modified and Genome-Edited Crops in Europe: The Need for Change. *Journal of the Science of Food and Agriculture*, 99(1), 8-12.
13. Hilf, M., (2001). Power, rules and principles - which orientation for WTO/GATT law?. *Journal of International Economic Law*, 4(1), 111-130.
14. Joly, Y. Wahnnon, F. Knoppers, B. (2007). Impact of the Commercialization of Biotechnology Research on the Communication of Research Results: North American Perspective. *Harvard Health Policy Review*, 8(1), 46-60.
15. Juma, C. (1999). Biotechnology in the Global Economy: Beyond Technical Advances

- and Risks. *AgBioForum*, 2(3 & 4), 218-222.
16. Ludlow, K. (2016). Consistency of Assessment of Socio-Economic Considerations under the Cartagena Protocol on Biosafety with Other International Obligations. *The Estey Journal of International Law and Trade Policy*, 17(2), 137-172.
17. Mercado, C. A. C. (2018). Erring on the Side of Precaution: An Assessment of the Application of the Precautionary Principle in International Trade Law. *Ateneo Law Journal*, 62, 988.1034.
18. Pauwelyn, J. (2001). The Role of Public International Law in the WTO: How Far Can We Go?. *American Journal of International Law*, 95, 535-578.
19. Ujj, O. (2016). European and American Views on Genetically Modified Foods. *The New Atlantis*, 49, 77-92.

D) Documents & Reports

20. China – Measures Affecting Trading Rights and Distribution Services for Certain Publications and Audiovisual Entertainment Products, Report of the Panel, (2009) WT/DS363/R.
21. Council Directive 90/220/EEC of 23 April 1990 on the deliberate release into the environment of genetically modified organisms. *Official Journal L 117*, 08/05/1990.
22. European Communities - Measures Affecting the Approval and Marketing of Biotech Products- Reports of the Panel, (2006), WTO Docs WT/DS291/R; WT/DS292/R; WT/DS293/R.
23. European Communities – Measures Affecting the Approval and Marketing of Biotech Products, Reports of the Panel, (2006), WT/DS291/R, WT/DS292/R, WT/DS293/R.
24. European Communities – Measures Prohibiting the Importation and Marketing of Seal Products, Reports of the Appellate Body, (2014), WT/DS400/AB/R & WT/DS401/AB/R.
25. Indonesia – Importation of Horticultural Products, Animals and Animal Products, Report of the Panel, (2016) WT/DS477/R & WT/DS478/R.
26. International Law on Biotechnology, The Hague Conference, Resolution No: 5/2010.
27. Japanese Measures on Imports of Leather, GATT Panel (1984), Report BISD/31S/94.
28. OECD, Safety Evaluation of Foods Derived by Modern Biotechnology: Concepts and Principles, (1993), Paris.
29. Regulation (EC) No 1829/2003 of the European Parliament and of the Council of 22 September (2003) on genetically modified food and feed, Official Journal L 268, And Regulation (EC) No 1830/2003 of the European Parliament and of the Council of 22 September (2003) concerning the traceability and labelling of genetically modified organisms and the traceability of food and feed products produced from genetically modified organisms, taking effect from April 2004.
30. United States – Measures Affecting the Cross-Border Supply of Gambling and Betting Services, Report of the Panel, (2004), WT/DS285/R
31. WTO Report of the Appellate Body, Brazil - Measures Affecting Imports of Retreaded Tyres, (2007), WT/DS332/AB/R.
32. WTO/WHO, WTO Agreements and Public Health, (2002), A Joint Study by the WHO

and the WTO Secretariat. { Available at:

https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wto_agree_health_e.htm }

E) Websites

33. <http://curia.europa.eu/juris/document/document.jsf?docid=109143&doclang>.

34. <https://www.britannica.com>

References In Persian:

A) Books

1. Fateminezhad, s. (2018). World Trade Organization and International Human Rights. Tehran: Mizan Publishing (In Persian).
2. Mirmohammadi, M. (2018). The Light of International Law on Genetically Modified Organisms (GMOs). Teharn: Khorsandy Publishing (In Persian).